

The Feasibility of Cosmic Futures Studies in Light of Quranic Discourse: An Exegetical-Analytical Inquiry into Surah Saba' (34:9)

Mohammad Hosein Fayyazi Barjin / Ph.D. Student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran mh.fayyaz@iau.ir

 **Ahmad Sadeghian** / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran Ahmad.Sadeghian@iau.ac.ir

Kamal khajepoor Banadaki / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran Kamal.khajepoor@iau.ac.ir

Received: 2025/07/31 - Accepted: 2025/09/27

Abstract

The ninth verse of Surah Saba, is among the pivotal Quranic verses that explicitly command the reflective observation of the heavens. Conventional exegetical traditions predominantly construe the purpose of these invitations as contemplation upon the cosmic grandeur of the celestial bodies, thereby deducing divine omnipotence. Premised on the structural coherence and intratextual unity of Quranic discourse, the primary problematique of this study lies in scrutinizing the semantic network interlinking the observation of “what is before them and what is behind them”, “the heavens and the earth”, and catastrophic retribution—namely, earthly swallowing (khasf) and celestial projectile bombardment (kisaf-qadhf). Through this analytical portal, the study evaluates the Quranic feasibility of establishing an epistemic correlation between celestial phenomena and future worldly occurrences. Adopting a content analysis method, this article critically reviews conventional exegeses and traces judicial astrology in Imami jurisprudence and hadith, thereby offering an innovative interpretation of this Quranic verse. Consequently, the Quran not only substantiates the feasibility of exploring human past and future horizons through the heavens and the earth, but also universally impels all individuals, including disbelievers, toward this investigation. This verse signifies that the systematic investigation of celestial phenomena enables the inference of macro-level eschatological tribulations—including apocalyptic chastisements—thereby mandating proactive strategic planning and practical preparedness to mitigate their impact.

Keywords: Sky, Futures Studies, Holy Quran, Surah Saba' (Verse 9), End Times (Eschatology).



نوع مقاله: پژوهشی

امکان‌سنجی مطالعه آینده از طریق آسمان بر اساس آیات قرآن با تأکید بر آیه نهم سوره سبأ

mh.fayyaz@iau.ir

محمدحسین فیاضی بارجین / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

Ahmad.Sadeghian@iau.ac.ir

احمد صادقیان / استادیار، گروه معارف دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

Kamal.khajepoor@iau.ac.ir

کمال خواجه‌پور بنادکی / استادیار، گروه معارف دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹

چکیده

آیه ۹ سوره سبأ از جمله آیاتی است که خداوند در آن به رؤیت آسمان امر فرموده است. عموم تفاسیر هدف از این دعوت‌ها را تفکر در عظمت آسمان ستارگان و نتیجه گرفتن قدرت خداوند بیان کرده‌اند. واکاوی شبکه معنایی میان رؤیت «ما بینَ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ»، «السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» و «خسف و قذف» در این آیه، بر مبنای ساختارمندی و انسجام معنایی آیات قرآن، مسئله اصلی این پژوهش است تا از این مدخل، امکان ارتباط میان «مقولات موجود در آسمان» با «آینده» را از نگاه قرآن بسنجد. در این تحقیق به روش تحلیل محتوا ضمن بررسی و نقد دیدگاه‌های تفسیری، بررسی پیشینه نجوم احکامی در روایات و فقه امامیه؛ معنای جدیدی برای آیه ارائه شده است. بر این اساس نه تنها قرآن امکان مطالعه آینده و گذشته بشریت از طریق آسمان و زمین را تأیید کرده است، بلکه همگان، حتی کافران را به این موضوع دعوت می‌کند. این آیه دلالت می‌کند بر اینکه با مطالعه برخی موضوعات آسمانی، می‌توان مقولاتی کلان مانند عذاب‌های آخرالزمانی را نتیجه گرفت و در راستای آمادگی برای آن برنامه‌ریزی و تلاش کرد.

کلیدواژه‌ها: آسمان، آینده، قرآن، ۹ سبأ، آخرالزمان.

مقدمه

بخواهیم، در زمین فرو می‌بریم‌شان و یا از آسمان پاره‌سنگ‌هایی بر ایشان فرود می‌آوریم.

در این آیات خداوند به «نگاه کردن به پیش رو و پشت سر» دعوت می‌کند و اینها را به «آسمان و زمین» پیوند می‌زند و انتظار آن دارد که از این نگاه، افراد به امکان «فرو برده شدن در زمین» یا «فرو آمدن سنگ از آسمان» توسط خداوند پی ببرند و البته قرآن مجموعه‌ی این امور را در بحث با منکران معاد مطرح می‌فرماید. آیه پایانی سیاق از جهت موقعیت کلام، در جایگاه متقاعد کردن کافرانی قرار دارد که منکر خدایی خدا نیستند، بلکه نسبت به مقولاتی در آینده کافر هستند. در انتهای آیه نیز می‌فرماید که این ماجرا «آیه» است.

برای یافتن روابط این جملات، سرنخی از روایات در دست نیست؛ چراکه متأسفانه هیچ حدیث مستقیمی ذیل این آیه در منابع شیعی وجود ندارد. آراء مفسران فریقین در این رابطه، در نقل‌قولی از یکی از تابعان، قتادة بن دعامه (۱۱۷-۱۱۸ق) ریشه دارد که اگرچه به برخی سؤالات ابتدایی پاسخ می‌دهد، دارای اشکالات متعدد است.

واکاوی شبکه‌ی معنایی میان این مقولات، بر مبنای ساختارمندی و انسجام معنایی آیات قرآن، مسئله‌ی اصلی این پژوهش است؛ تا از این مدخل، امکان ارتباط میان «مقولات موجود در آسمان» با «آینده» را از نگاه قرآن بسنجد.

از یک‌سو بیش از چهل آیه از آیات قرآن حداقل با چهار ریشه «رأی»، «نظر»، «بصر»، «رَقَب» به نگاه به آسمان‌ها اختصاص یافته است و از سوی دیگر، خداوند در آیات متعددی انسان را به «تفکر»، «تعقل» و «تفقه» در آسمان و مقولات آسمانی دعوت می‌کند (آل عمران: ۱۹۱؛ روم: ۸؛ جاثیه: ۱۳؛ بقره: ۱۶۴؛ عنکبوت: ۶۳؛ روم: ۲۴؛ جاثیه: ۵؛ اسراء: ۴۴؛ منافقون: ۷). از وجه دیگر بیش از سیصد آیه از آیات قرآن، آسمان‌ها با مفاهیم و مقولات بسیاری دیگر پیوند خورده‌اند. در نظر گرفتن این ارتباط بین مفاهیم بر این گستره آیه‌ای می‌افزاید. از این‌رو مطالعه‌ی قرآنی در حوزه آسمان‌ها و مفاهیم پیرامونی آن و پالایش و بازتعریف این مفاهیم اهمیت بسزایی دارد.

نویسندگان و محققان متعددی در آثار مکتوب خود به مسائل نجوم و آسمان به‌خصوص از منظر قرآن پرداخته‌اند؛ کتاب‌هایی چون زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن (صادقی، بی‌تا)، آیات

آیات متعددی از قرآن، دعوت به نظاره آسمان می‌کنند (یونس: ۱۰۱؛ رعد: ۱۶؛ ابراهیم: ۱۹؛ حجر: ۱۶؛ نحل: ۷۹؛ اسراء: ۹۹؛ انبیاء: ۳۰؛ حج: ۶۵؛ نور: ۴۳؛ روم: ۲۴؛ سبأ: ۹؛ فاطر: ۲۷؛ صافات: ۸۸؛ زمر: ۲۱؛ غافر: ۵۸-۵۷؛ احقاف: ۴ و ۳۳؛ ق: ۶؛ طور: ۴۴؛ ملک: ۵۳؛ نوح: ۱۵؛ غاشیه: ۱۸). عموم تفاسیر هدف از این دعوت‌ها را تفکر در عظمت آسمان ستارگان و نتیجه گرفتن قدرت خداوند بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۰۹؛ فخر رازی، ۱۳۸۵، ج ۲۸، ص ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۷، ص ۳۷۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۴۱؛ مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۲۳۵). اگرچه این جنبه از دعوت قرآن به رؤیت آسمان، انکارناپذیر می‌نماید، محدود کردن غرض خداوند به این موضوع نیز، خالی از تحمیل نیست.

علامه طباطبائی لازمه راهبایی به تفسیر صحیح قرآن و رستن از تحمیل نظرات شخصی به قرآن را، کنار گذاشتن موقت تمام دانش‌های قبلی از سوی مفسر می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۱۳). توجه به جایگاه جمله در میان جملات پیش و پس از آن و لحاظ کردن موضع کلام (بقره: ۷۵؛ نساء: ۴۶؛ مائده: ۱۳ و ۱۴) در هر کدام از موارد دعوت به نظاره آسمان، به دور از هر پیش‌داوری، می‌تواند مشخص کند که در این آیات غرض و منظور خداوند از دعوت به نگاه به آسمان چه بوده است.

آیه ۹ سوره سبأ از جمله آیه‌ای است که در آنها خداوند به رؤیت آسمان امر فرموده است. خداوند در آیات ۹۷ سوره سبأ می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُبَيِّنُ لَكُمْ إِذَا مِرْقَتُمْ كُلَّ مِرْقَةٍ إِنْكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ * أَفَتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ * أَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشْأَ نَحْشِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ».

آیات ۷ و ۸ حکایت از انکار برخی کافران نسبت به مقولاتی از آینده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۵۹). از افترای کافران به خداوند، روشن است که خدا را انکار نمی‌کنند و متعلق کفرشان، آخرت است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۲۴). در پاسخ به این کفار، خداوند کلام را به آیه نهم می‌کشد: آیا اینان به «ما بین اَیْدِیْهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ»، «مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» نمی‌نگرند؟ اگر

که مشخص شود با وجود اینکه مباحث نجوم و احکام نجومی چه در «تاریخ اسلام و تشیع» و چه در «روایات اهل بیت (ع)» و چه در «فقه امامیه»، مورد بحث بوده و جایگاه دارد، با تخصصی که صورت گرفته است هنوز مبنای قرآنی شفاف و صریحی حداقل در بخش «علم احکام النجوم»، استخراج، استدلال و معرفی نشده است.

۱-۱. پیشینه نجوم احکامی

اصطلاح «علم النجوم» (دانش ستارگان) نزد مؤلفان مسلمان هم به «احکام نجوم» و هم به «نجوم» گفته می‌شد. به عبارت دقیق‌تر، به احکام نجوم که ابومعشر بلخی احکامی سده سوم هجری آن را «دانش تأثیر قدرت ستارگان، در زمانی معین و همچنین در زمان آینده» تعریف کرده است، «علم احکام النجوم»، «علم الأحکام»، یا صرفاً «احکام» یا «تنجیم» می‌گفتند. در مقابل، نجوم را معمولاً «علم الفلك» یا به تعبیر مشهورتر، علم الهیة می‌خواندند (صلیبا، ۱۳۹۲، ص ۵۲-۶۳). در طبقه‌بندی‌های رایج علوم این دو شاخه معمولاً زیرشاخه‌هایی از یک علم در نظر گرفته می‌شدند و فقط حدود قرن هفتم هجری بود که نجوم به‌طور کامل از احکام نجوم جدا شد. از آن پس نجوم یک علم ریاضی محسوب می‌شد و احکام نجوم به حوزه علوم طبیعی کاربردی از جمله کشاورزی، پزشکی و شیمی منتقل شد. مطالعه آینده از طریق آسمان، شاخص‌ترین موضوع احکام نجوم است. این شاخه از نجوم در طول تاریخ اسلام، پیوسته موافقان و مخالفانی داشته است. مخالفان تا آنجا پیش رفتند که گاهی احکامیان را به الحاد متهم کردند (صلیبا، ۱۳۹۲، ص ۵۲-۶۳).

ابومعشر عمر بلخی، حکیم، ریاضی‌دان و منجم مشهور، منجم مخصوص خلفای عباسی در کتاب خود، المدخل الی علم احکام النجوم به تفصیل به دفاع از احکام نجوم پرداخته است (ابومعشر بلخی، ۱۹۸۵).

نظامی عروضی، در چهار مقاله که از اسناد مورد اعتنای تاریخی است (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۸۲)، علم نجوم را در کنار سیاست، ادبیات و طب، از شاخه‌های ریاضیات و یکی از فروع حکمت و نظام امور مملکت را به منجم می‌داند (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۸۲، ص ۱۸). وی در اغلب موارد، در ده حکایتی که در مقاله نجوم ذکر می‌کند، از امکان مطالعه آینده از

الهی، خلقت جهان هستی و انطباق آن با آیات قرآن مجید (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۶)، کیهان‌شناسی قرآنی (نیک‌سرشت، ۱۳۹۰) و تأملی در تفسیر هفت آسمان و هفت زمین در اعصار گوناگون (امامی‌دانالو و دهقانی، ۱۳۹۵).

در بخش مقالات، در موضوع این تحقیق، به‌صورت خاص مقاله «بررسی احکام و احوال نجوم در برخی آیات و روایات» (واقف‌زاده، ۱۳۸۹) سعی کرده است نظر قرآن را در باب حد و مرز احکام نجوم و احوال نجوم بررسی نماید و سپس به ذکر برخی از پیشگویی‌های قرآن در باب نجوم پرداخته است. در کنار تحقیقاتی در باب نجوم و آسمان‌ها، موضوع «هفت آسمان» و کیفیت آن در نگاه محققان به نسبت سایر موضوعات بیشتر مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفته است. مقالات «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم» (مسترحمی، ۱۳۸۸)، «در جست‌وجوی هفت آسمان قرآن» (نجفی، ۱۳۹۱)، «انفجار عظیم و پدیده big bang از منظر قرآن کریم» (ولی‌محمدی، ۱۳۹۳)، «ماهیت‌شناسی آسمان‌های هفتگانه با تکیه بر مؤلفه‌های خلق و امر در آیات قرآن» (روحانی مشهدی و معارف، ۱۳۹۵)، «رهیافت زبان‌شناسانه در تحلیل معنای هفت آسمان» (غروی نائینی و همکاران، ۱۳۹۸)، «نقد روایی دیدگاه منظومه شمسی درباره مفهوم السماوات سبع» (نایینی اکبری، ۱۳۹۸)، «نقدی بر تفسیر علمی هفت آسمان و زمین در آیه ۱۲ طلاق» (کریم‌پور و موسوی، ۱۳۹۹)، «تصویرپردازی آینده در قرآن؛ تأملی بر جایگاه‌یابی زمانی جنت مطرح در آیه ۱۳۳ سورة آل عمران» (احمدی آشتیانی، ۱۴۰۰) در این باب است.

البته تعاریف، مباحث کلی و برخی موضوعات دیگر مرتبط با آسمان و بعضاً از منظر اعجاز علمی قرآن نیز در برخی مقالات مورد نظر و مطالعه قرار گرفته است. «تفسیر علمی «بغیر عمد ترونها» درباره «رفع» و «خلق» آسمان‌ها در قرآن» (روحانی مشهدی و همکاران، ۱۳۹۸)، «اعجاز نجومی قرآن» (مسترحمی، ۱۳۸۹)، «رتق و فتق آسمان‌ها و زمین» (جعفری، ۱۳۹۵)، «شعرا در قرآن کریم رویکردی گفتمانی به مفهوم» (پاکتچی، ۱۳۹۴) از این جمله‌اند.

۱. نجوم احکامی

در این قسمت مقاله به «پیشینه نجوم احکامی» و «نجوم احکامی در روایات» و «احکام نجوم در فقه امامیه» از این جهت می‌پردازیم

طریق آسمان سخن می‌گوید (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳-۸۸). ابوریحان کسی را شایسته نام منجم می‌داند که حداقل چهار علم هندسه، حساب، هیأت و احکام را بداند (ابوریحان، ۱۳۶۲، ص ۲).

حکیم، ریاضی‌دان و منجم ایرانی، خواجه نصیرالدین طوسی در رساله خود در باب اسطرلاب نیز از معرفت طالع سال مستقبل و بررسی آینده از طریق رصد نجوم صحبت کرده است (طوسی، ۱۳۳۵). علاء منجم، موسیقی‌دان، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان سده هفتم هجری، یکی از مهم‌ترین آثار در خصوص علم احکام نجوم را با عنوان احکام‌الاعوام به نگارش درآورده است که کتابی است که در دو مقاله و ۱۲ باب و ۹۲ فصل که در دانش احکام نجوم نگاشته شده، در آن به مباحثی از قبیل کیفیت اعمال تسییرات، استخراج طالع تحویل و معرفت برج آنها، احکام والیان سال‌ها و دیگر مباحث مرتبط به آن پرداخته است (علاء منجم، ۶۲۳ق). کوشیار گیلانی، از جمله منجمان دیگری بود که با نگارش مجمل‌الاصول فی احکام النجوم به احکام نجوم پرداخته است (کوشیار گیلانی، ۹۴۱ق).

۱-۲. نجوم احکامی در روایات

روایات امامیه، اگرچه در مواردی اشعار به نهی از آینده‌پژوهی از طریق ستارگان دارند، امکان دریافتن وقایع آینده از طریق آسمان را تأیید می‌کنند. برخی از این روایات، به شرح ذیل می‌باشند:

۱. امام کاظم^ع در جواب هارون الرشید در باب علم نجوم می‌فرمایند: و خدا تعالی ستاره‌ها را ستوده و اگر علم نجوم درست نبود، خدای عزوجل نمی‌ستود. پیغمبران بدان دانا بودند و خدا درباره ابراهیم خلیل‌الرحمن فرمود: «وَكَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْمُوقِنِينَ» و در جای دیگر فرموده: «فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» و اگر علم نجوم نمی‌دانست، در آنها نمی‌نگریست و نمی‌گفت، من بیمارم. ادریس اعلم زمانش بوده به نجوم... و پس از علم قرآن اشرف از علم نجوم نیست، و آن دانش انبیاء و اوصیاء و وارثان انبیاء است که خدا عزوجل فرموده «وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» و ما هم این علم را می‌شناسیم و آن را فاش نکنیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷).

۲. علی بن محمد از ابوعبدالله^ع روایت کرده که درباره قول خداوند عزوجل: «فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» فرمود: او

(ابراهیم) به ستارگان نگریست و آنچه بر حسین^ع واقع می‌شود را دریافت، پس گفت: «من بیمارم»، به خاطر آنچه بر حسین^ع حادث خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۷۵۸). در این روایت، امام صادق^ع در ماجرای ابراهیم^ع که فرمود: «إِنِّي سَقِيمٌ»، می‌فرمایند که به حسب نظاره و مطالعه نجوم و دریافتن آنچه که بر امام حسین^ع در آینده وارد می‌شود (و مصائب بر ایشان)، سقیم شد. این آیه یکی دیگر از آیات صریح قرآن است که حاکی از امکان مطالعه آینده از طریق نظاره به ستارگان و دانش نجوم می‌باشد که این امر توسط ابراهیم^ع انجام پذیرفت.

۳. امام رضا^ع در جمع دانشمندان در پاسخ صباح بن نصر هندی می‌فرمایند: «آن علم در اصل درست است و گفته‌اند: نخست کسی که در علم نجوم سخن گفته ادریس^ع است، و ذوالقرنین در آن استاد بوده و اصل این علم از طرف خدا عزوجل است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۴۵).

۴. به چند سند از یونس بن عبد الرحمن در جامع صغیر او گوید: به امام ششم^ع گفتم: قربانت، به من بگو علم نجوم چیست؟ گفت از دانش پیغمبران است. گفتم: علی بن ابی‌طالب آن را می‌دانست؟ فرمود: داناترین مردم بود به آن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۳۵).

۵. در روایتی پرداختن به نجوم تا از حد یگانه‌پرستی بیرون نرود، تأیید شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷).

۶. نجوم در کنار فقه، طب و نحو، یکی از چهار علم برای شناختن روزگاریا شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱۸).

۷. روایات متعددی ذکر شده است که ظهور امام زمان^ع بعد از وقوع نشانه‌هایی در نجوم واقع خواهد شد. مانند کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخرش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۱۱۳)، طولانی شدن آخرین روز و شب منتهی به ظهور و سپس طلوع خورشید از مغرب (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۱۱۳)، جمع شدن خورشید و ماه در یک جا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۲)، خسوف در پنجم ماه و کسوف در پانزدهم ماه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۰۷)، طلوع ستاره دنباله‌دار که به ستاره حادی نزدیک می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۳۵۴). در این خانواده از روایات یک رویداد یا آیه آسمانی، نشانه و مقدمه ماجرای است که در زمین واقع می‌شود و این دو موضوع به هم گره خورده است.

و) از امیرالمؤمنین علیه السلام که بد است مسافرت و ازدواج در محاق ماه و در وقت قمر در عقرب (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷).

ح) در *الذهبیة* از امام رضا علیه السلام هم آمده است که بدان که جماع با زنان با اینکه ماه در برج حمل یا دلو است، بهتر است، و به از آن این است که در برج ثور باشد، چون شرف ماه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۱۸۷).

ط) روایاتی حاکی از مناسب نبودن سفر و ازدواج و تجارت در زمان‌هایی خاص چون قمر در عقرب وارد شده است (کلینی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۱۱۳).

ی) روایاتی حاکی از این است که صدقه، فال بد و نحسی را می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷). واضح است که اگر فال بد و نحسی وجود نداشته و حقیقت نداشته باشد، برای رفع آن، نیاز به صدقه نیست.

در بخش قبلی، نمونه‌هایی از بسیار روایاتی را ذکر کردیم؛ بدین جهت که حداقل این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که امکان دارد ماجرای آسمانی به واقع‌ای در زمین - چه در حال و چه در آینده - ارتباط مستقیم داشته باشد و بر همین اساس دور از ذهن نیست که خداوند متعال که متعدد دعوت به رؤیت و نظاره و رصد آسمان کرده است، ممکن است ناظر به این وجه از آسمان هم باشد و نه صرفاً علم هیئت و تقویم و گاهشماری.

۳-۱. احکام نجوم در فقه امامیه

به تبع این روایات، بحث در مورد احکام نجوم در طول تاریخ، در میان فقهای امامیه نیز پیوسته محل اختلاف بوده است.

شیخ بهائی در مورد روایات نهی از تنجیم می‌گوید: «وابستن حوادث زمین به اجرام آسمانی با عقیده به اینکه آنها آفریننده یا شریک در آفرینش‌اند، به مسلمان روا نیست و علم نجوم بر این پایه کفر است و حدیث نهی از علم نجوم به همین معناست؛ و اگر گویند اوضاع کواکب نشانه برخی حوادث این جهان‌اند که خدا آفریند، چنانچه حرکات و اوضاع نبض، نزد طبیب نشانه صحت و بیماری‌اند، و چنانچه لرزیدن برخی اندام تن را نشانه احوال آینده گیرند، این مانعی ندارد، و روایات صحت علم نجوم و جواز نقل آن بر این معنا است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۹۲).

شیخ انصاری نیز در *مکاسب محرّمة*، جواز و حرمت پرداختن به احکام نجوم را متوقف بر اعتقادی می‌داند که منجم در این مورد

۸ در روایاتی نیز به این موضوع اشاره شده است که دانشمندان از طریق نجوم به تولد پیامبرانی چون موسی و ابراهیم علیهم السلام در آینده پی برده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷ و ۲۴۸) و هرقل، پادشاه روم نیز از طریق دلالت‌های نجوم به نبوت رسول‌الله صلی الله علیه و آله پی برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۲۲۹). همچنین روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پیغمبری نوح به وسیله نجوم دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۳۵). محاسبه زمان و مکان تولد حضرت عیسی علیه السلام توسط منجمان زرتشتی با توجه به ستاره مَلک که بالای سر ایشان هست تا به هنگام رفعت ایشان به آسمان، با مطالعه نجوم امکان‌پذیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۱۷). تصویری در آسمان البته با توجه به روابط و قوانینی، حاکی از ماجرای است که در آینده بر روی زمین رخ خواهد داد. این دسته از روایات نیز کم نیستند.

۹. ارتباط برخی وقایع زمینی با حوادث آسمانی (اتفاقات نجومی): الف) ذیل آیه اول سورة النجم، احادیث متعددی ذکر شده است که شأن نزول این آیه مربوط به نزول ستاره‌ای نورانی به منزل امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است که نشانه تأیید ولایت ایشان و جانشینی رسول‌الله صلی الله علیه و آله است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۲ و ۴۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۲۷۴ و ۲۸۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۸۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۰۸).

ب) گریه ماه و خورشید و ستارگان بر امام حسین علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۰۲)، خون باریدن آسمان، گرفتن خورشید، دگرگون شدن ستارگان در شهادت امام حسین علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۰۴). این‌گونه روایت متعدد نیز، حاکی از این است که حالات آسمان و کیفیت اجرام آسمانی می‌توانند، متأثر از یک واقعه زمینی همچون شهادت سیدالشهداء علیه السلام باشد.

ج) برخی از روایات، سخن از هیجان و مستی برخی از حیوانات با طلوع بعضی از ستارگان و ارتباط این دو امر با هم دارند (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۳۱).

د) از امام صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی علم اهل‌بیتی در باب نجوم را واجد باشد حتی شناخت مؤمن از کافر از قبل این علم برایش میسر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷).

هـ) قوم عاد زمانی عذاب شدند که ماه توسط سیاره زحل نحس شده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۲۱۷).

الهی میسر نیست؛ زیرا دیگران احاطه کامل به احوال و اوضاع فلکی و اقترانات کواکب ندارند. لیکن سخن فوق نباید مانع از نظر و کاوش در کتب و تحقیقات اهل نجوم گردد؛ زیرا احوال و اوضاعی را برای نجوم و اختران به نگارش آورده‌اند که غالباً اتفاق می‌افتد و آنها را باید احتیاطاً عمل کرد، از این رو می‌بینیم گروهی از شیعه این دانش را فرا گرفته که در میان آنان علما و محدثان بزرگ وجود داشته‌اند (نجفی، ۱۳۶۰، ج ۲۲، ص ۱۰۸).

از مجموعه روایات و آراء فقها در باب احکام نجوم به دست می‌آید که اشکالی در اصل احکام نجوم نیست؛ بلکه نوع اعتقاد در مورد نجوم و همچنین روش پرداختن به این علم بوده که در مواردی از سوی اهل بیت علیهم‌السلام مورد نهی قرار گرفته است.

۲. نظرات مفسران در مورد ارتباط مفاهیم سیاق

۲-۱. عبارت «ما بینَ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ» در قرآن

نظرات مفسران در مورد ارتباط مفاهیم سیاق و معنایی که برای آیه نظر گرفته‌اند، بستگی به معنای «ما بینَ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ» دارد. اگرچه معنای حقیقی عبارت که در ابتدا متبادر می‌شود جهت‌های «مکانی» است. در برخی از آیات قرآن، تعبیر «بینَ اَیْدِیْ... وَ خَلْف...» برای پیش رو و پشت سر «زمانی» به کار رفته است. در قرآن کریم، مشتقات عبارت «بینَ اَیْدِیْ... وَ خَلْف...» به همراه هم، جمعاً ۱۶ مرتبه تکرار شده است (بقره: ۲۵۵ و ۲۵۶؛ اعراف: ۱۷؛ رعد: ۱۱؛ مریم: ۶۴؛ طه: ۱۱۰؛ انبیاء: ۲۸؛ حج: ۷۶؛ سبأ: ۹؛ یس: ۹؛ فصلت: ۲۵ و ۱۴ و ۴۲؛ احقاف: ۲۱؛ جن: ۲۷).

الف) در آیه ۴۵ سوره یس، علامه طباطبائی عبارت مذکور را به صورت زمانی تفسیر کرده و «ما بینَ اَیْدِیْکُمْ وَ ما خَلْفَکُمْ» را به دو صورت «حال و آینده» و «گذشته و حال» ترجمه و بیان کرده‌اند: «مراد از «ما بینَ اَیْدِیْکُمْ وَ ما خَلْفَکُمْ» شرک و گناهی است که در حال حاضر و در قبل از این بدان مبتلا بودند، و یا مراد عذابی است که بدین سبب مستوجب آن شدند، و برگشت هر دو به یکی است، و یا مراد شرک و گناهان در دنیا و عذاب در آخرت است و این وجه از وجوه دیگر وجه‌تر است» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۹۳).

ب) در آیه ۲۵ سوره فصلت، علامه در مورد عبارت مذکور این‌طور بیان کرده‌اند: «فَرِیْئُوا لَهُمْ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ»، یعنی آن قرینان سوء در نظر ایشان جلوه داد پیش رو و پشت سرشان را، و

دارد. در این راستا، اعتقاد به علت تامه بودن ستارگان و نیز اعتقاد به اینکه ستارگان موجوداتی زنده و ذی‌شعور و دارای فاعلیت هستند را محکوم به کفر و حرمت می‌داند. اما اعتقاد به اینکه خداوند در طبیعت ستارگان خصوصیتی قرار دهد که اقتضای حدوث برخی امور را داشته باشند و همان‌گونه که برای به جریان انداختن امور از اسباب استفاده می‌کند، از ستارگان را نیز در کنار دیگر اسباب به کار گیرد را جایز می‌شمارد: «و بالجمله، فمقتضی ما ورد من أَنَّهُ «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا» کون کلِّ حادث مسبباً، و أمّا أَنْ السَّبَبُ هی الحركة الفلکیة أو غیرها فلم یثبت، و لم یثبت أیضاً کونه مخالفاً لضرورة الدین» (انصاری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۲۱). صاحب مکاسب صورت دیگری از اعتقاد را به این سه ضمیمه می‌کند که در آن اجرام آسمانی تنها امارات و نشانه‌هایی هستند که بر اساس آنها می‌توان به امور روی زمین پی برد. شیخ انصاری در این مورد چنین می‌نویسد: «و الظاهر أَنَّ هذا الاعتقاد لم یقل أحد بکونه کفراً و الأكثر علی أَنَّهُ لا بأس به» (انصاری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۲۱).

صاحب جواهر می‌نویسد: احادیثی که دلالت بر صحت علم نجوم دارند، به قدری زیاد است که قابل حصر نیست. در مقابل نیز روایاتی بر عدم تکیه به نجوم دلالت دارند، در این احادیث منجمان تکذیب شده و بسان کاهن و ساحر قلمداد گشته‌اند. لیکن می‌توان بین این دو دسته روایات را آشتی داد و جمع کرد، بدین‌گونه که بگوییم: اگر اعتقاد بر این باشد که نجوم، صاحبان اراده مستقل، فاعل مختار و تأثیراتشان مستقل است، بدون اینکه مسخر خداوند باشند، [چنان‌که منجمان قبل از اسلام بر این باور بوده‌اند]، در این صورت منجم مانند ساحر و کاهن است. اما اگر اعتقاد بر این باشد که اوضاع فلکی [اتصالات، اقترانات، انفصالات، تربعات، تسدیسات و...] همه نشانه‌ها و علامات سنت خدا و عادت او باشند؛ یعنی بر این باور باشیم که عادت خدا بر این امر جاری است که مثلاً فلان اختر فلان تأثیر را دارد و حق تعالی تأثیرات آنها را به مقتضای حکمت خویش قرار داده است، در این صورت حرام نیست، می‌توانیم فراگیریم، آموزش دهیم، پژوهش به عمل آوریم، به‌ویژه اینکه حق تعالی قادر است تأثیرات آنها را به وسیله صدقه دادن، دعا و راز و نیاز داشتن، تغییر دهد؛ زیرا حق تعالی هرچه را بخواهد محو کرده و هرچه را بخواهد ثابت باقی می‌دارد. «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتَابِ»، ولی احاطه به دقائق اخترشناسی بر غیر خزینه‌داران علم

شاید مراد این باشد که هم لذت‌های مادی را که داشتند در نظرشان جلوه داد، و هم آنها را که آرزومند بودند داشته باشند، و در آینده به دست آورند» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص ۳۸۶).

ج) در آیه ۶۴ سوره مریم، علامه طباطبائی فرموده‌اند: «اگر مراد از جمله «ما یَبْنِیْ اَیْدِنَا وَ ما خَلَقْنَا وَ ما یَبْنِیْ ذَلِکَ» مکان بوده باشد شامل قسمتی از مکان پیش روی ملائکه و مکانی که در آن‌اند و تمامی مکان پشت سر ایشان می‌شود، ولی شامل تمام مکان پیش روی آنان نمی‌شود، و همچنین اگر مراد از آن، زمان بوده باشد، شامل همه گذشته و حال، و قسمتی از آینده، یعنی آینده نزدیک می‌گردد، و حال آنکه سیاق جمله «لَهُ ما یَبْنِیْ اَیْدِنَا وَ ما خَلَقْنَا وَ ما یَبْنِیْ ذَلِکَ» به صراحت احاطه را می‌رساند، و با بعضی زمان‌ها و یا مکان‌ها دون بعضی [دیگر] نمی‌سازد» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۴، ص ۸۳).

د) در آیه ۷۶ سوره حج، علامه در مورد این عبارت فرموده‌اند: «منظور از اینکه فرمود: عالم به ما بین ایدی و ما خلف ایشان است، دلالت بر این نکته است که خدای تعالی مراقب روش انبیای خویش است که مبدا دچار اختلالی گردد، نه فی‌نفسه دچار فراموشی یا تغییر و یا به وسیله کیدهای شیطانی و تسویلات او دستخوش فساد شود و نه میان وحی و مردم اختلالی رخ دهد. همه اینها بدین جهت است که حاملان وحی از رسولان در برابر چشم و علم او هستند. می‌داند آنچه پیش روی آنهاست و آنچه خلف آنهاست و آنان همه در گذر کمین‌گاه خدا قرار دارند. از همین‌جا روشن می‌شود که مراد از «ما یَبْنِیْ اَیْدِیْهِمْ»، مابین ایشان و بین آن کسی که وحی را به او می‌دهند می‌باشد. پس «مابین ایدی رسول ملکی» مابین او و بین رسول انسانی است که وحی به او می‌دهد و «مابین ایدی رسول انسانی»، عبارت است از مابین او و بین مردم که رسول انسانی وحی را به ایشان می‌رساند. و مراد از «ما خلف ملائکه» مابین ملائکه و بین خدا است که همه آنان از جانب خدا به سوی مردم روان هستند. پس وحی از روزی که از ساحت عظمت و کبریایی حق صادر می‌شود در مأمونی محکم است تا روزی که به مردم برسد و لازمه آن این است که پیغمبران نیز مانند ملائکه معصوم باشند، معصوم در گرفتن وحی و معصوم در حفظ آن و معصوم در ابلاغ آن به مردم» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۴، ص ۴۱۱-۴۱۲). از سویی همان‌طور که پیداست در آیه ۹ سوره سبأ، عبارت مذکور با اسم موصول «ما» آورده شده است. مطابق با ظاهر آیه، سیاق آیات و همچنین روش متداول

تفسیر این عبارت در قرآن کریم، عبارت مذکور باید به صورت کنایی و نه مکانی ترجمه شود، ولی در اینجا علامه طباطبائی مانند اکثر مفسران از قبیل شیخ طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۴)، مقصود آیه را مکانی در نظر گرفته‌اند: «پس مراد از جمله «ما یَبْنِیْ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلَقَهُمْ مِنْ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» این است که بفرماید: آسمان و زمین ایشان را از جلو و عقب احاطه کرده، هر جا که نظر کنند آسمانی می‌بینند، که بر سرشان سایه افکنده، و زمینی که روی آن هستند، نه از طرف بالا می‌توانند بگیرزند، و نه از طرف پایین» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۳۶۰).

با توجه به تفسیر کنایی اکثر آیات مشابه، به نظر می‌رسد که این آیه نیز باید به همین صورت در نظر گرفته شود و هیچ دلیلی وجود ندارد که در اینجا منظور عبارت «ما یَبْنِیْ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلَقَهُمْ»، به صورت مکانی؛ یعنی جلو و عقب و اطراف کفار (مخاطبان خاص آیه) باشد.

۲-۲. نظر اول. قول مشهور بر اساس مکانی بودن «ما یَبْنِیْ اَیْدِیْهِمْ وَ ما خَلَقَهُمْ»

غالب تفاسیر، وجه اتصال میان آیه ۹ و آیات پیشین را «تخویف» ذکر کرده‌اند. به این ترتیب که قرآن این کافران را دعوت می‌کند که به پیش رو و پشت سرشان نگاه کنند و ببینند همان آسمان و زمینی که در افق پیش رویشان هست، در پشت سرشان هم قرار دارد و دریابند که چگونه در میان آسمان و زمین احاطه شده‌اند و خداوند می‌تواند ایشان را از طریق آسمان، با فرو فرستادن پاره‌هایی از آن (قذف)، یا از طریق زمین و به صورت خسف، هلاک کند. همچنین مرجع ضمیر «ذلک» در انتهای آیه را، وضعیت آسمان و زمین دانسته‌اند که عبد منیب می‌تواند از رؤیت آنها پی به احاطه و قدرت خداوند ببرد (به عنوان نمونه، رک. فراء، ج ۲، ص ۳۵۵؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۲، ص ۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۳۷۸ و ۵۹۴؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۱۰؛ فخر رازی، ۱۳۸۵، ج ۲۵، ص ۱۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۲۶؛ ثعلبی، ج ۸، ص ۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۲، ص ۲۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۹، ص ۱۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۳۵۹). البته برخی به این بیان، تفکر در قدرت خداوند بر خلقت آسمان و زمین را نیز افزوده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۲، ص ۱۴۵).

زمین و آسمان امکان دارد بر آنها نازل شود فکر نمی‌کنند؟ ما اگر اراده بفرماییم آنها را در زمین فرو می‌بریم [مانند قارون] و اگر اراده بفرماییم، از آسمان بر آنها باران سنگ نازل می‌کنیم [مانند قوم لوط] در هر یک از این هشدارها [که آثار آنها را در گذشته توسط تاریخ شناخته‌اند] برای بندگانی که عامل به توبه به درگاه خداوند باشند پند و عبرتی نهفته است» (صفارزاده، ص ۱۰۲۰).

۳. نقد و بررسی نظرات مفسران

وجه اتصالی که برای مفاهیم مطرح‌شده در این سیاق، در تفاسیر آمده است، چنان که گذشت، خاستگاهی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام ندارد و در بعضی موارد به تابعان می‌رسد. از سویی این تفاسیر با اشکالاتی توأم است.

۳-۱. آسمان و زمین بالا و پایین هستند، نه پیش رو و پشت سر اولین اشکالی که به تفسیر مشهور از این آیات وارد است، عدم انطباق «ما بین ایدیه‌م و ما خلفه‌م» بر «السماء و الارض» است. آسمان و زمین، بالای سر و زیر پای انسان‌ها قرار دارند، نه پیش رو و پشت سر؛ چنان که می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ» (ق: ۶). حتی اگر غرض، پی بردن به احاطه آسمان و زمین بر انسان‌ها بود، نگاه به بالا و پایین بیشتر می‌توانست حاکی از آن باشد.

۳-۲. عدم تبادر خسف و قذف با نگاه به آسمان و زمین در مسیر نشئت‌گرفته از قول قتاده در مورد آیه نهم سوره سبأ، انتظار بر آن است که کافران به معاد، با نگاه به بخش‌هایی از آسمان و زمین که در پیش رو و پشت سرشان است، احاطه خداوند و امکان وقوع خسف یا فرود آمدن پاره‌هایی از آسمان را نتیجه بگیرند. نتیجه‌گیری این موضوعات از نگاهی عادی به آسمان و زمین، بدون توجه به ماجراهای گذشتگان و آنچه از این عذاب‌ها بر آنان واقع شده است، چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. چه طور ممکن است کافران، از نگاه و حتی تأمل در آسمان و زمین، قدرت خداوند بر خسف و قذف را نتیجه بگیرند؟ اگر بنا بود این آیه بر احاطه خداوند دلالت داشته باشد، دلیلی برای حذف مفهوم احاطه از آیه وجود نداشت. ترجمه آیه به صورت «أفلم يروا كيف أحاط بهم الله من السماء و الارض»، ترجمه‌ای توأم با تکلف و تحمیل است.

به نظر می‌رسد این تفسیر از آیه ۹ سوره سبأ، ریشه در نقل قولی از قتاده دارد. طبری پس از بیان تفسیر آیه، به روایت ذیل از قتاده استناد می‌کند: عن قتاده، قوله: «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ» قال: «ينظرون عن أيمنهم، و عن شمائلهم، كيف السماء قد أحاطت بهم إن نشأ نخسف بهم الأرض كما خسفنا بمن كان قبلهم أو نسقط عليهم كسفاً من السماء أي قطعاً من السماء» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۴۵). ماتریدی نیز قول مشابهی را از قتاده نقل کرده است: «و قتاده يقول لينظروا كيف أحاطت بهم السماء و الأرض و هما واحد» (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۴۲۹).

۳-۲. نظر دوم. بر اساس دلالت «ما بین ایدیه‌م و ما خلفه‌م» بر زمان

تفسیر بیان السعاده، علاوه بر ذکر معنای مشهور در این آیه، دو تبیین دیگر از آیه ارائه می‌کند که بر پایه نگاه زمانی به عبارت «ما بین ایدیه‌م و ما خلفه‌م» بنا شده است. در تفسیر اول، آسمان را حاکی از «عالم آخرت و ارواح» که پیش روی انسان قرار دارد و زمین را حاکی از «عالم طبیعت» که پشت سر قرار دارد در نظر می‌گیرد. این تفسیر از آیه چندان با ظاهر سازگار نیست و بیشتر آمیخته با ذوق صوفیانه مؤلف است (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶۰). او در ادامه با اشاره به اینکه می‌توان «من» در عبارت «من السماء و الارض» را «ابتدائی» لحاظ کرد، معنای دیگری از آیه پیشنهاد می‌کند: «آیا نگاه نمی‌کنند به حوادث آینده یا گذشته که در جلو روی آنها و پشت سرشان است، درحالی که آن حوادث ناشی از حرکات آسمان و تحت تأثیر قرار گرفتن زمین است؟» (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶۱) در این معنا، چون مبدأ و منشأ حوادث روی زمین، آسمان است، تعبیر «من السماء» به کار رفته است. البته در بیان وجه اتصال این بخش آیه به دو مقوله خسف و قذف، این تفسیر هم راه تفاسیر متقدم بر خود را پیموده است و تمام این وجوه را دال بر قدرت خداوند بر عذاب کافران و فرصتی برای تنبه و بازگشت از گمان باطل نسبت به معاد می‌داند (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶۱).

خانم صفارزاده در ترجمه آیه ۹ سوره سبأ نیز عبارت «ما بین ایدیه‌م و ما خلفه‌م» را بر اساس نگاه زمانی، با مفهوم حال و آینده ترجمه کرده است: «آیا آنها درباره بلاهایی که در حال و آینده از

۳-۳. میزان کارآمدی «تخویف» در موضع کلام

تهدید و تخویف برای کسی کارآمد است که حقیقتی را که می‌داند، کتمان کرده است. گویی در تفسیر رایج، فرض بر این است که این افراد خوب می‌دانند که خلقت مجدد حق است؛ ولی آن را انکار می‌کنند. از این رو خدا در راستای استدلال بر امکان این خلق مجدد چیزی نمی‌فرماید و به تخویف ایشان بسنده می‌کند. درحالی که این کافران، خدا و قدرت خدا بر نابودی خودشان را منکر نشده‌اند. خداوند در مورد این کافران می‌فرماید «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ» (سبأ: ۸) و آنها را گم‌گشتگان معرفی می‌کند. وصف اصلی ایشان عدم ایمان و گم‌گشتگی و سردرگمی است، درحالی که در این طریق باید صفت اصلی آنها نفاق و کتمان حقیقت باشد.

۳-۴. پاسخ خداوند به منکران معاد در قرآن

منکران معاد در این سیاق، منکر خدا نیستند، چون از افترا به خدا صحبت می‌کنند. در پاسخ به چنین اعتقادی، بنا به تفسیر مشهور از آیه ۹ سبأ، قرآن به تهدید و تخویف کافران روی می‌آورد. این شیوه با گویش قرآن در مواضع دیگر سازگار نیست. در سیاق‌های دیگر، خداوند در قبال چنین تشکیکی در مسئله معاد، از مقولاتی سخن به میان می‌آورد که باورپذیری آن را آسان‌تر سازد.

در آیه ۵۱ اسراء، در پاسخ گروهی که مسئله‌شان خلقت مجدد است و می‌گویند: «إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا» (اسراء: ۴۹)، قرآن می‌فرماید همان کسی که اول بار شما را پدید آورد، دوباره شما را بازمی‌گرداند. اشاره به خلقت اولیه انسان‌ها استدلالی آشکار برای مسئله مورد اختلاف است. نمونه دیگر آیات ۹۸ و ۹۹ در سورة اسراء است. باز هم برخی کافران می‌گویند: «إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا». خداوند در پاسخ می‌فرماید: خدایی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده، بر خلق کردن مثل این کافران نیز قادر است. در مواردی دیگر از آیات قرآن نیز، پاسخ‌های مشابهی برای منکران معاد، طرح شده است (ر.ک. حج: ۵؛ مؤمنون: ۸۲-۸۴؛ واقعه: ۴۷-۵۱). اینکه قرآن در پاسخ کسانی که منکر خدا نیستند، به تهدید و تخویف روی آورد، با گویش عقلانی و منطقی قرآن سازگار به نظر نمی‌رسد.

۳-۵. عدم ارتباط میان اجزاء درونی آیه

فهم صحیح آیه ۹ سبأ، بی‌تردید منوط به فهم ارتباط میان سه مقوله

رویت «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ»، «آسمان و زمین» و «خسف و قذف» است. این ارتباط در نظریه مشهور میان تفاسیر، ارتباطی تکلف‌آمیز است؛ چون موضوع اصلی آیه و سبب اتصال اجزاء آن، یعنی احاطه خداوند بر انسان‌ها، محذوف است.

نظریه صاحب بیان السعاده نیز، اگرچه ارتباطی منطقی بین دو قسمت اول برقرار می‌کند؛ در مورد اتصال این دو بخش با خسف و قذف پاسخ قابل قبولی ندارد. اینکه افراد از طریق آسمان و زمین، حوادث آینده و گذشته را رؤیت کنند، آنها را به امکان خسف و قذف دلالت نمی‌کند.

۴. وقوع خسف و قذف در گذشته و آینده

۱. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ خَسَفَ وَ مَسَخَ وَ قَذَفَ قَالَ قُلْتُ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ قَالَ دَعَا ذَاكَ قِيَامُ الْقَائِمِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۶۶). در این روایت امام صادق عليه السلام منظور از آیات در آفاق و انفس راه خسف و مسخ و قذف می‌دانند که در زمان قیام امام زمان عليه السلام به وقوع می‌پیوندد.

۲. شیخ مفید از رسول‌الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا وَ يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلُهُ حَتَّى الْمَسَخُ وَ الْخَسْفُ وَ الْقَذْفُ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۵)؛ آنچه در امت بنی اسرائیل جاری شد، مانند آن در امت رسول‌الله صلی الله علیه و آله هم جاری می‌شود، حتی مسخ و خسف و قذف.

۳. حَدَّثَنَا قَتَادَةُ بْنُ الْفَضْلِ، قَالَ: «سَمِعْتُ هِشَامَ بْنَ الْغَزَّ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ رَبِيعَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا مَالِكٍ صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْخَسْفُ وَ الْمَسَخُ وَ الْقَذْفُ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۷). این روایت نیز مانند روایت دوم، از تحقق آیات خاص در امت پیامبر آخرالزمان، سخن می‌گوید.

۴. «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَطْهَرُ فِي أُمَّتِي الْخَسْفُ وَ الْقَذْفُ قَالُوا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعَارِفُ [الْمَعَارِفُ] وَ الْقَيْنَاتُ وَ شَرِبَ الْخَمْرُ وَ اللَّهُ لَيَبْيِتَنَّ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى أَشْرٍ وَ بَطَرٍ وَ لَعِبٍ يُصْبِحُونَ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ لَا سِتْخَالَهِنَّ الْحَرَامَ وَ اتَّخَذَهُمُ الْقَيْنَاتُ وَ شَرِبَ الْخُمُورُ وَ أَكَلَهُمُ الرَّبَا وَ لُبْسُهُمُ الْحَرِيرُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸). در این روایت شریف نیز، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقوع خسف و قذف

در امتشان را بعد از مشغولیت آنان به آلات موسیقی و شرب خمر و لِهو و لعب و رباخواری مطرح می‌کنند.

مشخص است که دو مثالی را که خداوند متعال در ادامه جمله اول آیه از «إِنْ نَشَأْ نُخَسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ» و «أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنْ السَّمَاءِ» می‌آورد، مربوط به مکان خاصی در آسمان و زمین و در زمان حال نیست که قابل رؤیت باشد. این دو مثال یا برای زمان‌های گذشته در میان اقوام بوده است (قصص: ۸۱؛ عنکبوت: ۴۰) و یا طبق روایات فوق، مربوط به زمان آینده و حوادث مربوط به آخرالزمان و مهدویت است. از این رو معنای قوی‌تر در مورد «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ»، همان معنای زمانی مربوط به گذشته و آینده مخاطبان آیه می‌باشد.

اما در (sharov & Novikov, 1993; Hubble, 1929). آیه ۹ سبأ با توجه به ضمیر «هم»، خداوند دعوت می‌کند که انسان‌ها از طریق آسمان، آینده و گذشته «خودشان» را مطالعه کنند و نه گذشته و آینده آسمان را! از این رو تفاوت زیادی بین منظر کیهان‌شناسی مدرن و منظر مطروحه در این آیه قرآنی وجود دارد.

از سویی احکام نجومی که بر اساس منابع مختلف، سابقه داشته، در راستای منافع اشخاص یا حکومت‌ها بوده است (دینوری، ۱۳۴۶، ص ۱۳۹ و ۴۳۶؛ مسعودی، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۴۵۷)، اما این آیه مخاطب را دعوت به مطالعه آینده بشریت در مقطع آخرالزمان می‌کند که ابعاد بسیار بزرگ‌تری نسبت به آن دارد و نفع اصلی را خود انسان محقق و متوجه آیات آفاقی خداوند می‌برد که «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ» (سبأ: ۹).

نتیجه‌گیری

بر اساس ساختار درونی آیه ۹ سبأ، به نظر می‌رسد نه تنها قرآن امکان مطالعه آینده و گذشته از طریق آسمان و زمین را تأیید کرده است، بلکه قرآن همگان، حتی کافران را به این موضوع دعوت می‌کند. این آیه دلالت می‌کند بر اینکه با مطالعه برخی موضوعات آسمانی، می‌توان مقولاتی کلان مانند عذاب‌های آخرالزمانی - از جمله خسف و قذف - در مسیر پیش روی بشر را نتیجه گرفت و در راستای آمادگی برای مواجهه با آن، برنامه‌ریزی و تلاش کرد. در این مقاله سعی شد از منظر آیه ۹ سوره سبأ، امکان مطالعه آینده از طریق آسمان مورد مذاقه قرار گیرد و با ذکر روایات در این باب و مصادیق تاریخی بر این دانش، فتح بابی باشد برای اینکه مفسران، دانشمندان و متخصصان علم نجوم در این حیطه ورود عمیق‌تر پیدا کرده و بروزات این علم خدایی را مبین، کاربردی و غنی‌تر نمایند. ان شاء الله.

۵. نگاه به آینده و گذشته از طریق آسمان و زمین

با توجه به نظرات مفسران ذیل آیه مورد بحث، و اشکالات ذکر شده، می‌توان معنای جدیدی برای آیه ارائه کرد. بحث کافران با توجه به آیات قبل، در مورد سرنوشت بشر در آینده است. از سویی دو مقوله خسف و قذف چنان‌که بحث آن گذشت، موضوعاتی مربوط به آینده امت رسول خدا ﷺ هستند که در گذشته در امت‌های پیشین نیز واقع شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۶۷)، از این رو منظور از رؤیت «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ»، رؤیت پیش رو و پشت سر «زمانی» است؛ یعنی خداوند از کسانی که مفاهیم مطرح‌شده از سوی رسول‌الله ﷺ در آینده را انکار می‌کنند، دعوت می‌کند از طریق «آسمان و زمین» به آینده و گذشته، آن هم در حد آینده و گذشته بشریت نگاه کنند و در این رؤیت، به‌خصوص دو مقوله خسف و قذف را ببینند. نگاه به گذشته از این جهت مطرح می‌شود که موضوعاتی مشابه آنچه در آینده قرار دارد را خداوند در گذشته‌ها قرار داده است.

۶. تفاوت نگاه به گذشته و آینده از منظر قرآن با

علوم مرسوم

نکته قابل‌توجه و وجه افتراق علم نجوم و توجه به آسمانی که خداوند در قرآن به آن دعوت می‌کند با علم ستاره‌شناسی و کیهان‌شناسی که علم جدید به آن دعوت دارد این است که در ستاره‌شناسی مدرن، بر اساس وضعیت آسمان، به مطالعه گذشته و آینده آسمان و کهکشان‌ها می‌پردازند

منابع.....

قرآن کریم.

قرآن کریم، ترجمه طاهره صفارزاده.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابوریحان (۱۳۶۲). *التفهیم لاوائل صناعه التتجیم*. تصحیح جلال همائی. تهران: بابک.

انصاری، مرتضی (۱۳۸۱). *کتاب المکاسب*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ابومعشر بلخی، جعفر بن محمد بن عمر (۱۹۸۵م). *المدخل الکبیر فی (الی) علم احکام النجوم*. فرانکفورت: معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه.

احمدی آشتیانی، فرهاد (۱۴۰۰). تصویرپردازی آینده در قرآن؛ تأملی بر جایگاه‌یابی زمانی «جنت» مطرح در آیه ۱۳۳ سورة آل عمران. پژوهش های قرآن و حدیث، ۵۴، ۲۳-۹.

امامی دانالو، حسام و دهقانی، فرزاد (۱۳۹۵). تأملی در تفسیر هفت آسمان و هفت زمین در اعصار گوناگون. مشهد: مینوفر.

ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد (۱۴۲۱ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۹۸۷م). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار المعرفه. پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). شعرا در قرآن کریم رویکردی گفتمانی به مفهوم مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۵۷، ۱۵۷-۱۹۴.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی)*. بیروت: چاپ علی عاشور.

جعفری، یعقوب (۱۳۹۵). رتق و فتق آسمان‌ها و زمین. *درسهایی از مکتب اسلام*، ۶۵۹، ۲۹-۲۵.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: مؤسسه الطب و النشر.

حلی، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۱۱ق). *کشف البقین فی فضائل امیر المؤمنین*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب الی الصواب*. قم: رضی. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۴۶). *اخبار الطوال*. ترجمه صادق نشأت.

تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

روحانی مشهدی، فرزانه و معارف، مجید (۱۳۹۵). ماهیت‌شناسی آسمان‌های هفتگانه با تکیه بر مؤلفه‌های خلق و امر در آیات قرآن. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۳۰، ۱۵۱-۱۸۴.

روحانی مشهدی، فرزانه و همکاران (۱۳۹۸). تفسیر علمی «بغیر عمد ترونها» درباره «رفع» و «خلق» آسمان‌ها در قرآن. *مطالعات تفسیری*، ۳۸، ۸۹-۱۰۶.

زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. بیروت: دار الفكر المعاصر.

سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق). *بیان السعاده فی مقامات العباده*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

صادقی، محمد (بی‌تا). *زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن*. تهران: کتابفروشی مصطفوی بوذرجمهری.

صادق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین. صلیبا، جورج (۱۳۹۲). نجوم و احکام نجوم در دوره اسلامی. ترجمه یونس مهدوی. میراث علمی اسلام و ایران، ۳، ۵۲-۶۳.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). *الاحتجاج*. تحقیق ابراهیم بهادری. قم: اسوه. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو. طبری، حسن بن علی (۱۳۷۶). *تحفه الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*. تهران: میراث مکتوب.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *النبیان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دارالثقافه. طوسی، نصیرالدین (۱۳۳۵). *بیست باب در معرفت اسطرلاب*. تهران: چاپ محمدتقی مدرس رضوی.

علاء منجم، علی‌شاه بن محمد بن قاسم خوارزمی (۶۲۳ق). *احکام الاعوام*. نسخه خطی. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

غروی نائینی، نهله و همکاران (۱۳۹۸). رهیافت زبان‌شناسانه در تحلیل معنای هفت آسمان. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۲۴، ۲۳۸-۲۲۷.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۵). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. تهران: اساطیر. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). *معانی القرآن (فراء)*. قاهره: هیئة المصریه العامه للکتاب.

فراء کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۶۵). *الوافی*. اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین.

کریم‌پور، سیدحسین و موسوی، سیدمحسن (۱۳۹۹). نقدی بر تفسیر علمی هفت آسمان و زمین در آیه ۱۲ طلاق. *مطالعات تفصیلی*، ۴۲، ۸۵-۱۰۲.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق). *روضه کافی*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کوشیار گیلانی، ابوالحسن (۹۴۱ق). *مجله الاصول فی احکام النجوم*. بی‌جا: بی‌نا. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. مسترجمی، سیدعیسی (۱۳۸۸). آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم. *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، ۴، ۸۳-۱۱۶.

مسترجمی، سیدعیسی (۱۳۸۹). *اعجاز نجومی قرآن*. قرآن و علم، ۷، ۹۳-۱۳۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. بیروت: المکتبه العصریه.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الفصول المختاره*. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۳۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۱). کشف الأسرار و علة الأبرار. تهران: امیرکبیر.
 نایینی اکبری، محمد (۱۳۹۸). نقد روایی دیدگاه منظومه شمسی درباره مفهوم
 السماوات سبع. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۵، ۲۰۲-۱۸۹.
 نجفی، روح‌الله (۱۳۹۱). در جست‌وجوی هفت آسمان قرآن. کتاب قیم، ۷،
 ۵۲-۲۹.
 نجفی، محمدحسن (۱۳۶۰). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار
 احیاء التراث العربی.
 نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی (۱۳۸۲). چهار مقاله.
 تصحیح محمد قزوینی. تهران: کانون هنر ایران.
 نعمت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۶). آیات الهی (خلقت جهان هستی و انطباق آن با آیات
 قرآن مجید. بی‌جا: بینش آزادگان.
 نیک‌سرشت، حسین (۱۳۹۰). کیهان‌شناسی قرآنی. تهران: مبین اندیشه.
 واقف‌زاده، شمسی (۱۳۸۹). بررسی احکام و احوال نجوم در برخی آیات و
 روایات. مطالعات قرآنی، ۲، ۱۶۹-۱۵۵.
 ولی‌محمدی، سلمان (۱۳۹۳). انفجار عظیم و پدیده big bang از منظر قرآن
 کریم. در: اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی. اردبیل: اداره کل
 تبلیغات اسلامی.

Hubble, E. (1929). A relation between distance and radial velocity among extra-galactic nebulae. *Proceedings of the national academy of sciences*, 15(3), 168-173.
 Sharov, A. S., Novikov, I. D., & Novikov, I. D. (1993). *Edwin Hubble, the discoverer of the big bang universe*. Cambridge University Press.